

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۴۰۰
صفحه ۹۹ تا ۱۱۶

توانمندسازی و مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان بلوچ بعد از

انقلاب اسلامی ایران

ماه نور رئیسی / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی،

واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mahnoor.noor20@yahoo.com

ملکتاج خسروی / استادیار و عضو هیات علمی، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی،

واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) khosravimalektaj@gmail.com

چکیده

یکی از راه‌های دستیابی به نحوه نگرش جوامع نسبت به زن و جایگاه وی در میان قومیت‌ها، بررسی رسم و رسومات فرهنگی و اعتقادی در بین اقوام مختلف است. یکی از این قومیت‌ها بلوچ‌ها هستند. در بین بلوچ‌ها زن جایگاه ویژه‌ای دارد. زنان بلوچ همواره در زندگی همگام و همدوش با مردان از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیده و در این راه به سخت‌کوشی معروف هستند چنانکه بعد از انقلاب، حضور گسترده زنان در مناصب سیاسی همچون فرماندار، بخشدار، شهردار و غیره قابل ملاحظه است. استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌هایی است که بیشترین مناصب سیاسی زنان را در کشور در اختیار دارد. این پژوهش با هدف بررسی توانمندسازی و مشارکت فعال زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان بعد از انقلاب اسلامی به روش توصیفی - پیمایشی انجام گرفته است. نمونه آماری تحقیق، شامل ۲۱۰ نفر از فعالین اجتماعی زن بلوچ بوده که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های T تک نمونه‌ای و تحلیل توصیفی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشانگر آن است که ساختار فرهنگی و آموزشی منطقه سیستان و بلوچستان در پایین بودن مشارکت زنان بلوچ نقش بسزایی دارد. ساختار فرهنگی و اجتماعی دارای بیشترین و موانع آموزشی دارای کمترین نقش در میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. کلید واژه: توانمندسازی، مشارکت، فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زنان بلوچ.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹ / ۷ / ۰۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹ / ۲ / ۳۱

مقدمه

تحقق توسعه کشور مبتنی بر دانایی، بدون زمینه لازم برای فراهم کردن فرصتهای قابلیت‌زا برای عموم مردم و اقوام مختلف کشور امکان‌پذیر نیست. محور این توسعه انسان آگاه، خلاق و آزاد است. برای توسعه همه جانبه ایجاد فرصتهای برابر در تمامی زمینه‌ها امری الزامی است. مشارکت اقشار و اقوام مختلف مردم به دور از تبعیض و نابرابری جنسیتی در توسعه، موجبات ارتقا امور علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور را فراهم می‌سازد.

در عصر حاضر ارتباط دو سویه و متقابل میان توسعه یافتگی کشورها و مشارکت زنان بر کسی پوشیده نیست و یک رابطه علت و معلولی بر این رابطه حاکم است. (کوثری، ۱۳۷۹)

امروزه در اغلب کشورهای جهان زمینه و عرصه حضور زنان در بستر توسعه بر پایه تعریف همه‌سویه‌نگری و کل‌گرایی فراهم شده است و زنان نه تنها به عنوان یک جنسیت، بلکه با جایگاه‌ها و موقعیت‌های متنوع و متفاوت برخوردار شده‌اند از توانمندی‌ها و مهارت‌های علمی و نیز با فرصت‌هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنها قرار می‌دهد در توسعه نقش آفرینی می‌کنند. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و افزایش زنان تحصیل‌کرده می‌تواند شاخصی برای پیشرفت محسوب شده و فرصتی برای سرعت بخشیدن به روند فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و نیز رویارویی با چالش‌ها و پیامدهای تغییر و تحول از رشد و توسعه فراهم آورد.

در رابطه با توانمندسازی زنان در زمینه تصمیم‌گیری سیاسی، صاحب‌نظران زیادی معتقدند که مشارکت سیاسی یکی از عواملی است که این امر را محقق می‌سازد. یکی از راهکارهای اساسی توانمندسازی زنان و جامعه، مشارکت سیاسی زنان در فرایند تصمیم‌گیری ملی است (نهادندی، ۱۳۸۶: ۳۰۲). زنان بعنوان افراد جامعه و منابع انسانی جامعه در فرایند توسعه و سیاستگذاری مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی برای آن تاثیرگذارند بطوریکه مشارکت سیاسی و حضور فعال زنان در برنامه‌ریزی‌های سطح کلان، به حل مسایل و مشکلات زنان و توانمندسازی آنها برای دستیابی به توسعه پایدار و همه‌جانبه می‌انجامد.

بررسی تأثیرات آموزش (که یکی از راهکارهای توانمندسازی زنان است) در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان نشان از بهبود موقعیت زنان در زندگی فردی و اجتماعی دارد. این امر آنها را در مراحل بعدی در ایفای نقش‌های متعدد و متنوع اجتماعی، چه در جایگاه مادر در امر تربیت فرزند چه در جایگاه نیروی انسانی ماهر و متخصص در عرصه کار و مدیریت و به طور کلی به عنوان یک شهروند مسئول و آگاه و زیرمجموعه‌ای از سرمایه‌های انسانی، توانا تر می‌کند، که نبود آن دور باطلی را ایجاد می‌نماید که محرومیت‌ها و فقر زنانه با

ایجاد اختلال در روند توسعه در اجتماع بروز می کند. در جامعه‌ای با میزان آگاهی، دانش اجتماعی و درآمد ناچیز، والدین در سرمایه‌گذاری برای دخترانشان کوتاهی می کنند زیرا از آنان انتظار ندارند که در امور اقتصادی خانواده مشارکت داشته باشند. دختران بدون تحصیلات و با آگاهی ناچیز، تبدیل به مادران تحصیل نکرده‌ای می شوند که دارای مهارت‌های ارزشمندی در خارج از منزل نیستند، قدرت اثر گذاری بر تصمیم‌گیری‌های خانواده را ندارند، در حالیکه پسران برای آموزش به مدرسه فرستاده می شوند، دختران برای ایفای نقش‌های سنتی در خانه می ماندند، در نتیجه دانش نیاموخته و مهارت نیافته باقی می‌مانند و شرایط لازم برای مشارکت همه جانبه برایشان فراهم نمی شود. در چنین وضعیتی هنجارها و فرهنگ سنتی و تبعیضات کلیشه‌ای جنسیتی که بر جای خود می‌مانند و اولین نیروی محرکه توسعه بی اثر می‌شود. در جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه ی ایران که با فقر سرمایه‌های انسانی و پدیده فرار مغزها مواجه است، زنان می توانند «نیروی شتاب دهنده» توسعه محسوب شوند (جیروند، ۱۳۶۸: ۲۹).

جامعه امروز ایران، جامعه‌ای در حال گذار در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. متعاقب این گذار الگوهای موجود باید برای تطابق با شرایط پویا و انعطاف پذیری که ناشی از توسعه سریع و همه جانبه کشورهای جهان است تغییر یابند. در میان این تغییرات مسلماً تعارض سنت و مدرنیته خود را نشان خواهد داد و به گفته اقتصاددان معروف جان مینارد کینز، "توسعه تقابل نو و کهنه است" (جیروند، ۱۳۶۹: ۳۰). حال با توجه به اهداف بلند توسعه گرا که تقاضای نامحدود را به جدال با منابع محدود می‌کشاند، در منابع انسانی موجود، «زنان» به عنوان بخشی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند در کانون توجه اقتصاددانان توسعه گرا قرار می‌گیرند.

لاگاردی می نویسد "توانمند سازی زنان موضوع اساسی برای اقتصاد و مردم جهان است" و ۱۸۹ عضو صندوق بین المللی پول با چالشهای زیادی مواجه هستند، اما توانمندسازی زنان همواره یک عامل مشترک و یک ضرورت جهانی برای همه کسانی که به عدالت و گوناگونی و در عین حال به رشد و بهره وری جوامع و کلا اقتصاد اهمیت می دهند، باقی می ماند که دستیابی به این امر، سود همه را در پی خواهد داشت. (Lagarde, ۲۰۱۹)

مبانی نظری و مفاهیم:

متفکرین جامعه شناسی معتقدند که: توانمندسازی فرایندی است در جهت دستیابی به مهارت هایی که افراد برای پیشرفت و غلبه بر مشکلات کسب می کنند که هرچه توانایی فرد بیشتر باشد تسلط بر خود و عوامل محیطی بیشتر شده و می تواند به سطحی از توسعه فردی دست یابد. در اصل "توانمند سازی زنان موجب می گردد که زنان ارزیابی صحیح و شناخت واقعی

از خویشتن داشته باشند، به استعدادها و محدودیت های درونی خویش آگاه شوند، از توانایی و قابلیت نیل به هدف های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی به هدف های مورد نظر دست یابند" (فرخی، ۱۳۹۶، ۷۶).

"توانمند سازی زنان به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان می انجامد. توانمند سازی فرایندی است که طی آن افراد، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت هایی انجام می دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می شود. این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری های بنیانی است. توانمند سازی یک زن به این مفهوم است که او برای انجام برخی کارها توانایی جمعی پیدا می کند و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می شود و یا در مقابله با تبعیض های جنسیتی در جامعه موثر واقع می گردد" (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ۱۳۹۲).

در گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۲۰، مسئله توانمندسازی سیاسی زنان، مشارکت و فرصت های اقتصادی، مسئله آموزش و سلامت زنان مد نظر قرار گرفته است. بر اساس بررسی های بعمل آمده، بیشترین شکاف جنسیتی و سهم ناچیز زنان در حوزه اقتصاد و سیاست کاملاً مشهود است.

سارا لانگه (۲۰۱۶) معتقد است که برای توانمند سازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) بررسی می شود. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (مانند زمین، کار، سرمایه) کارهای مولد درآمد، خدمات و آموزش های مهارت زا دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. برابری در کنترل، توازن قدرت بین زنان و مردان را شامل می گردد (موزر، ۱۳۹۶، ۱۰۳).

مشارکت مجموعه فرآیند بکارگیری توانمندیها در سطح فردی و در سطح گروهی برای دستیابی به هدف صورت می پذیرد. در تمام جریان مشارکت، نیت بر این است که مردم چه در سطح محلی و چه ملی نیازهای خود را بشناسند، الویت بندی کنند و خود برنامه ی تحقق آن نیاز

¹ Sarah Longe

را طراحی کنند. در واقع نتیجه فعالیت‌های توانمندسازی، باید اقدام برای رفع نیازها باشد. (نوری نشاط، ۱۳۸۸). لازم به ذکر است که مشارکتی که تحت تاثیر توانمندسازی شکل می‌گیرد، از نوع مشارکت فعال است که مبتنی بر دانش، آگاهی و اراده شخصی اتفاق می‌افتد، نه مشارکت منفعلانه که تحت تأثیر اراده دیگران، بدون آگاهی، دانش، اهداف و اراده و خواست شخص صورت می‌پذیرد.

مشارکت سیاسی رکن مهمی از توسعه سیاسی بشمار می‌آید که نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان و سهم دانستن آنان در امر مشارکت، بخشی از فرآیند توسعه را شامل خواهد شد. با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، رهبر کبیر انقلاب در زمینه بازنگری بر این مهم، اهتمام ورزیدند و به عنوان یک متفکر اسلامی، خواستار افزایش مشارکت زنان در عرصه سیاست بودند. از این رو بعد از انقلاب اسلامی، صاحب نظران سیاسی بر این عقیده اند که پرداختن سیاست گذاران به مباحث مشارکت سیاسی زنان ابعاد تازه ای یافت به گونه ای که بعد از انقلاب حضور زنان در برنامه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنگ تازه ای به خود گرفت و سهم مشارکت آنان به میزان قابل توجهی در این برنامه ها افزایش یافت. (گراوند و ولی زاده، ۱۳۹۸)

مشارکت سیاسی زنان در اندیشه امام خمینی (ره):

نظریاتی که امام خمینی (ره) در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی عنوان کردند، باعث تحولاتی بنیادی در نگرش به مسائل زنان شد. مصاحبه ها، سخنرانی ها، پیام ها، نامه ها و رفتارهای عملی ایشان بیانگر توجه عمیق و جدی به مسأله زنان است. با توجه به مبانی انسان شناسی و هستی شناسی امام (ره)، زن، انسانی به تمام معنا انسان که در این مسأله تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و میفرمایند: "برای زن ابعاد مختلفه است، چنانچه برای مرد و برای انسان این صورت طبیعی نازل ترین مرتبه انسان است و نازل ترین مرتبه زن است و نازل ترین مرتبه مرد است. لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است." (صحیفه امام، جلد ۷: ۳۳۸).

امام (ره) میفرمایند: "از نظر حقوقی تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله، در بعضی از موارد تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد" (همان، جلد ۴: ۳۶۴). قبل از انقلاب ماهیت ضد دینی و استبدادی رژیم که اساساً با اعطای آزادیهای سیاسی به مردم منافات داشت، از دیدگاه علمای رژیم پهلوی با دادن آزادی و حق رأی به زنان درصدد استفاده ابزاری از زن و مخالفت با فرهنگ اسلامی بود. امام خمینی (ره) این مسأله را دخالت در حوزه دین دانسته و بر

آن تاختند و لذا به نظر می‌رسد که ایشان دیدگاهی متضاد در مورد مشارکت سیاسی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند. امام (ره) در بحث تساوی حقوق زن و مرد که در لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی مطرح شد، وظیفه خود دیدند تا همه مردم را نسبت به اوضاع اختناق آمیز رژیم آگاه کنند: "تصویب نامه اخیر دولت راجع به شرکت نساء در انتخابات از نظر شرعی بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است" (همان، جلد ۱: ۱۴۹).

قبل و پس از وقوع انقلاب اسلامی امام (ره) اسلام را دینی سیاسی معرفی می‌کند و دخالت در امر سیاسی را تکلیفی شرعی می‌داند و در این زمینه تفاوتی بین زن و مرد قائل نمی‌شوند: "خانمها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیفشان است، روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین سیاسی است، یک دینی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش" (همان، جلد ۱۰: ۱۵).

"اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است" (همان، جلد ۵: ۴۱۷). البته امام (ره) اذعان می‌دارند که "آزادی در حدود قانون است، اسلام از فسادها جلو گرفته و همه آزادیها را که مادون فساد باشد داده آنجا که جلو گرفته فساد هاست. جلوی فساد را گرفته است و ما تا زنده هستیم نمی‌گذاریم این آزادیهایی که آنها می‌خواهند تا آن اندازه ای که می‌توانیم، آن آزادیها تحقق پیدا کند" (همان، جلد ۸: ۳۳۹). به طور کلی در اندیشه امام (ره) دیده می‌شود: "زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد، زنها در جمهوری اسلامی رأی باید بدهند، همانطوری که مردان حق رأی دارند زنها حق رأی دارند." "زنها حق رأی دارند، - از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها قائل هستیم- حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند" (صحیفه امام، جلد ۶، ۳۰۰ و ۴۳۶).

یکی از محورهای اصلی سخنرانیهای امام (ره) پس از انقلاب اسلامی تقدیر از زنان در انقلاب و حضور فعال آنها در صحنه بود، میفرمایند "آنچه لازم است تذکر دهم شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در فرایند است، زنانی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته‌اند، توجه داشته باشند که با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. امروزه زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند" (همان، جلد ۶، ۱۲: ۴۰۸، ۲۷۵).

از مجموع آنچه مطرح گردید می‌توان این شاخص‌ها را در زمینه مشارکت سیاسی زنان از اندیشه امام (ره) استخراج نمود: تساوی در اصل خلقت / تساوی حقوقی / حق انتخاب کردن و

دخالت در سرنوشت خود/ حق انتخاب شدن در انتخابات/ نقش زنان در سازندگی و مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی:

در ایران اسلامی، مجموعه سه عامل احکام اسلامی، نظریات امام (ره) و قانون اساسی به همراه یکدیگر موجبات اعتقادی و اجرای قانونی مشارکت سیاسی زنان را فراهم می‌کند. بصورت مختصر به اهمیت مبحث مشارکت سیاسی زنان در احکام اسلامی و نظریات امام (ره) اشاره شد، در این بخش به مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی پرداخته می‌شود.

مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی

منظور از مشارکت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی این است که خداوند متعال تعیین سرنوشت جمعی را به خود انسانها تفویض کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منزلت زیادی برای زن قائل شده و وعده می‌دهد: "زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون در نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنها بیشتر خواهد بود". از طرف دیگر، زن به عنوان عضو اصلی خانواده" وظیفه‌ی خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی، خود هم‌رمز مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد "دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات، با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید" و برای "ایجاد زمینه‌ی مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او" تدابیر لازم را اتخاذ نماید(اصل بیست و یکم قانون اساسی). همچنین منزلت برابر زن و مرد مورد توجه قرار گرفته و دولت موظف به "تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی زن و مرد و... تساوی عموم در برابر قانون" شده است (بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی). برابری انسانها که بارها مورد تأیید قانون اساسی قرار گرفته است، در چارچوب موازین اسلامی طراحی شده و بنابر این مشروط و مقید است. اینگونه "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام برخوردارند" (اصل بیستم قانون اساسی) (کار، ۱۳۸۰: ۷۴).

نیمی از مسؤولیت مشارکت سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای بر دوش زنان است. که ضرورت می‌یابد ضمن ایفای نقش‌های خانوادگی یعنی همسرمداری، تربیت فرزندان و خانه‌داری در جامعه خویش نیز حضوری فعال و مؤثر داشته باشند. پس نقش مهمی در رهیافت توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا مینمایند. از این رو مشارکت سیاسی زنان در اندیشه صاحب‌نظران و قانون اساسی، به هر نوع فعالیت اجتماعی و یا عضویت در گروه‌های اجتماعی گفته می‌شود که برای رسیدن به هدفی مشخص سازمان یافته‌اند. (رحمان پور، ۱۳۹۵)

با توجه به اهمیت جایگاه زنان در تحقق توسعه کشور و برنامه ریزی های انجام شده در این زمینه بعد از انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهمترین موضوعات، سطح مشارکت زنان است که در این تحقیق به آن پرداخته می شود.

پیشینه تحقیق:

در دهه های اخیر و پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ارزش و اهمیت زنان به عنوان یکی از بازیگران تاثیرگذار در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بیش از پیش شناخته شده است. از دستاوردهای مثبت این رهیافت، شکل گیری مفاهیمی چون توانمندسازی زنان است که در این مسیر، توانمندسازی زنان و رفع نیازهای راهبردی شان و از همه مهمتر مشارکت دادن آنها در عرصه های مختلف از جمله تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مدنظر است. (زال، ۱۳۹۷).

در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و بر طرف شدن موانع اتخاذ شد. یکی از این راهبردها توانمند سازی زنان با تاکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفا به مفهوم بهره مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه های توسعه نیست بلکه آنان باید در اجرای برنامه ها و طرح های توسعه مشارکت فعالانه داشته باشند. (Kongolo & Bamgos, 2002) مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در کشورهای مختلف جهان نیز با موانع متعددی در ابعاد روانی، شخصیتی، اقتصادی و سیاسی روبروست ولی بنظر می رسد عوامل فرهنگی در کاهش حضور زنان در اجتماع بویژه در سطوح مدیریتی نقش بیشتری داشته است. (Losindilo & others. 2010)

کشور ایران نیز با حضور کم رنگ زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی از این امر مستثنی نیست. عوامل فرهنگی به علت گستردگی، اشکال گوناگونی به خود می گیرد. از طرز تفکر خود زنان گرفته تا خانواده ها بینش و نگرش اجتماعی، هنجارهای مذهبی و سنت های رایج اجتماعی هم به عنوان جلوه هایی از عوامل فرهنگی به شمار می روند. جامعه شناسان و محققان حوزه زنان، علت حضور کم رنگ و ناچیز زنان را در مناسبات اجتماعی و سیاسی بیشتر ناشی از ایستارها و کلیشه های جنسیتی، فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار که همواره رواج دهنده باورهای سنتی و پدرسالارانه بوده است، می دانند. در واقع باورهای سنتی و فرهنگ مردسالاری با تقسیم کار بر محیط خانه و اجتماع و محول نمودن امور خانه به زنان، فرصت مشارکت برابر را از آنان سلب کرده است. (Nana faub, 2006). البته این تفکیک ویژه، تنها به ایران اختصاص ندارد. "محدود کردن زنان در چهار دیواری خانه و تحقیر افکار، عقاید و کارهای او، نوع و نیروهای

شگرف باطنی زن را سرکوب کرده و به طوری که او را حتی از خود نیز ناامید کرده و این مطلب به نحو بسیار بارزی درجه کارآمدی او را پایین آورده است" (شادی طلب، ۱۳۹۴: ۶). در قالب فرهنگ سنتی و قبیله ای استان سیستان و بلوچستان می توان اذعان نمود علی رغم کمبود امکانات و محدودیت ها زنان پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ شمسی توانسته اند سهم زیادی در برنامه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشند و میزان مشارکت سیاسی خود را در جامعه افزایش دهند. بنابراین هدف این پژوهش شناسایی و بررسی توانمندیها و سطح مشارکت زنان و عوامل بیرونی و محیطی که تواما تاثیر بسزایی در مشارکت فعال و یا عدم مشارکت زنان بلوچ در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی دارند می باشد.

موسوی، عمانی و اللهیاری (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی زراعی پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده، زنان روستایی از بعد ویژگیهای اجتماعی (مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی) در سطح متوسطی قرار دارند. نتایج تحقیق مشخص نمود که پنج عامل تقریباً ۵۱ درصد از موانع و مشکلات زنان روستایی را توضیح می دهند که این عوامل به ترتیب شامل ساختار اجتماعی، ساختار فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع آموزشی و ساختار اراضی زراعی می باشند.

علیدوست و لشگرآرا (۱۳۹۲) در بررسی خود با عنوان "راه های توسعه کارآفرینی زنان روستایی" به این نتیجه رسیدند که از میان متغیرهای مورد مطالعه دو متغیر اقتصادی و آموزشی در مجموع بیشترین تاثیرگذاری را بعنوان موانع اصلی در مشارکت زنان دارند.

فرضی زاده، متوسلی و طالب (۱۳۹۲) به بررسی جامعه شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان و موانع پیش روی آنان پرداختند. نتایج نشان داد که از دید افراد بومی، مهم ترین مولفه توانمندی اجتماعی زنان، ازدواج و مهم ترین مولفه توانمندی اقتصادی، کار است. براساس نظر پاسخگویان برخی از عوامل موثر در رشد توانمندی عبارت اند از: زندگی چند خویشاوند در کنار هم، خانواده گرایی، سرمایه اجتماعی، همیاری، همبستگی اجتماعی، حمایت از یکدیگر، دسترسی به برخی امکانات، انگیزه برای سخت کوشی. بی سواد یا کم سواد، ازدواج زود هنگام، تجرد دختران، ازدواج ناموفق، زندگی در خانواده گسترده، حرف مردم، ضعف مالی، نگرش درباره مکان کار، نبود امکانات بازاریابی، ضعف سرمایه اطلاعاتی، وضعیت نامساعد حامی، تبعیض، و تداوم هنجارهای غیررسمی محدودکننده، به ضعف توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران و زنان روستایی می انجامد. براساس نتایج این تحقیق هنوز موانع بسیاری برای

رشد توانمندی دختران و زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف دانش و آگاهی (در سطح خرد و کلان جامعه) و نگرشهای منفی است.

زنجانی و آبرون (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی راه‌های ارتقای شغلی زنان و اثر آن بر بهره‌وری پرداختند. براساس یافته‌های پژوهشگران به رغم حضور موثر زنان در مقاطع تحصیلی عالی و احراز شایستگی‌های عمومی، هنوز حضور زنان در استفاده از فرصت‌های استخدامی و دستیابی به سطوح بالاتر شغلی ناچیز و تعداد زنانی که توانسته‌اند در سطوح عالی مدیریتی منصوب شوند، بسیار اندک است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق یعنی برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، بیولوژیکی، سازمانی و روان‌شناختی؛ موانع بیولوژیکی با ۴۸٫۱ درصد بالاترین تاثیر و موانع سازمانی با ۱۱٫۲ درصد کمترین تاثیر رابر عدم ارتقای شغلی می‌گذارد.

ستوان، بلوچی و دهدار (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر اعتقاد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ ۱۸ سال به بالا ایرانشهر انجام دادند. در این پژوهش، مشارکت سیاسی زنان به عنوان کسانی که در صحنه سیاست به طور مستقیم حضور دارند و تأثیر متغیر اعتماد مردان طایفه به زنان و برخی متغیرهای دموگرافیک چون سن، تحصیلات و درآمد بر آن مورد بررسی قرار گرفته است. در بعد نظری برای رسیدن اهداف پژوهش، از نظریه جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام استفاده شده است. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه در بین زنان شهر ایرانشهر در سال ۱۳۹۴ به انجام رسیده است. نتایج حاصل از آزمون متغیر اعتماد اجتماعی نشان داد که متغیر اعتماد مردان طایفه به زنان بلوچ تأثیر مستقیم بر مشارکت سیاسی زنان شهر ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان دارد.

عامری، سهرابی رنانی، حسینی راد و دائی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان "موانع مشارکت زنان در فعالیتهای فرهنگی" عنوان نموده‌اند که میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه به ویژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تا حد زیادی به برخورد و نگرش آن جامعه نسبت به زنان بستگی دارد. در صورتی که به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، حضور و مشارکت حقیقی زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌ها افزایش می‌یابد. مشارکت فعال زنان، در فعالیتهای فرهنگی جامعه مسئله‌ای است که از دیرباز با موانع و مشکلات فراوانی رو به رو بوده است. به طوری که این موانع در قالب‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی جلوه نموده است و هر کدام می‌توانند در میزان و مشارکت زنان در فعالیتهای موثر باشند. یافته

های این پژوهشگران نشان داد که نقش مردسالاری، به عنوان مانع مشارکت زنان در فعالیتهای فرهنگی، بالاتر از سطح متوسط است.

علی حسینی و نظری (۱۳۹۵) در پژوهش خود در باب مشارکت سیاسی زنان در ایران به این نتایج رسیدند که مشارکت سیاسی زنان در شاخص های سیاسی در سطح کشور به دلیل برخی محدودیت ها و مشکلات یکسان نیست و طیفی از عدم مشارکت، مشارکت اندک و حضور مناسب تر را در بر می گیرد.

کجباف و کاظمی (۱۳۹۷) به بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی پرداختند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که عوامل نگرشی و پیش داوری، مهم ترین عواملی اند که با جلوگیری از حضور زنان در جایگاه های مدیریتی، منجر به شیوه هایی سازمانی با عنوان سقف شیشه ای می شوند. نتایج این پژوهش نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند، در حالی که زنانی که نگرش مثبت داشتند، عوامل اجتماعی و فرهنگی را به عنوان موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی بیان می کنند. گراوند و ولی زاده (۱۳۹۸) مشارکت سیاسی زنان در کشورهای در حال توسعه و بسیج آنها در قالب مشارکت مؤثر و سازمان یافته در فرآیند توسعه پایدار جایگاه ویژه ای دارد. بر اساس آمار رسمی کشور، بیش از نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می دهند، اما برای طرح مسأله نمودن باید با نگاهی فراتر به این مقوله نگریست، زیرا به خصوص در جوامعی چون ایران که نهاد خانواده هنوز رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد، زنان نه تنها به لحاظ کمی که به لحاظ کیفی نقش مؤثری در زمینه امور تربیتی ایفا می نمایند، لذا جایگاهی بسیار فراتر از شاخصه های ظاهری مشارکت سیاسی را در امر توسعه دارا می باشند. برخی از نویسندگان معتقدند: مشارکت فعال زنان وقتی به معنای واقعی کلمه ظاهر می شود که خودجوش، رقابت آمیز، گروهی سازمان یافته و مبتنی بر ایدئولوژی مناسب و خاص زنان باشد

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق را زنان فعال بلوچ، در استان سیستان و بلوچستان تشکیل می دهند که طبق برآوردها بالغ بر ۴۶۰ نفر می باشند. از این جامعه بر اساس جدول انتخاب نمونه کرجسی و مورگان حجم نمونه ۲۱۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. همچنین به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته، استفاده شده است. اعتبار صوری و محتوای پرسشنامه توسط تعدادی از اساتید و صاحب نظران

تأیید و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن ۰,۸۷ بدست آمده است. مقیاس اندازه گیری تحقیق طیف لیکرت پنج گزینه ای است که از (۱ بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) نمره گذاری شده است. مقیاس اندازه گیری پرسشنامه، طیف لیکرت پنج گزینه ای است که از (سوال ۱ تا ۸) به عوامل فرهنگی و باورهای سنتی و باقیمانده از گذشته مبنی بر بی ارزش بودن کار زنان، (از ۹ تا ۱۸) به وجود فرهنگ مرد سالاری، (از ۱۹ تا ۲۹) به تعصبات خانوادگی (از ۳۰ تا ۳۸) به وجود تبعیضات فرهنگی و (از ۳۹ تا ۴۳) به نابرابری طبقاتی بین زن و مرد اختصاص داده شده است. پایایی خرده مقیاس های ذکر شده عبارتند از: عوامل فرهنگی و باورهای سنتی و باقیمانده از گذشته مبنی بر بی ارزش بودن کار زنان، (۰/۷۴) وجود فرهنگ مرد سالاری، (۰/۸۱) تعصبات خانوادگی (۰/۷۲) وجود تبعیضات فرهنگی و (۰/۷۶) نابرابری طبقاتی بین زن و مرد (۰/۷۹) اختصاص داده شده است.

یافته های تحقیق:

جدول شماره (۱): میزان و درصد پاسخگویان زن براساس مدرک تحصیلی

درصد	فراوانی	متغیر های جمعیت شناختی
5	10	دکتری
35	75	فوق لیسانس
42/5	85	لیسانس
15	30	فوق دیپلم
2/5	10	دیپلم

همانگونه که در جدول زیر مشاهده می کنید از میان افرادی که مورد پرسش قرار گرفتند ۵ درصد افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری، ۳۵ درصد آنها دارای مدرک فوق لیسانس، ۴۲,۵ درصد دارای مدرک لیسانس، ۱۵ درصد دارای مدرک فوق دیپلم، ۲/۵ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند.

جدول شماره (۲): میزان و درصد پاسخگویان برحسب تاهل

56/2	118	متاهل
43/8	92	مجرد

براساس جدول شماره (۲) از میان این افراد ۵۶,۲ درصد پاسخگویان این پژوهش متاهل و ۴۳,۸ درصد از پاسخگویان مجرد می باشند.

جدول شماره (۳): میزان و درصد پاسخگویان برحسب اشتغال

دانشجو	92	43/8
کارمند	17	8/1
بیکار	101	48/1

براساس جدول شماره (۳) از میان این افراد ۴۳٫۸ درصد پاسخگویان این پژوهش دانشجو و ۸٫۱ درصد از پاسخگویان شاغل و کارمند و ۴۸٫۱ درصد از پاسخگویان بیکار می باشند. فرضیه اول: ساختار فرهنگی منطقه سیستان و بلوچستان بعد از انقلاب بر میزان توانمندی و مشارکت فعال زنان بلوچ در فعالیت های سیاسی و اجتماعی تاثیر گذار است. جدول شماره (۴) نتایج آزمون فرضیه ساختار فرهنگی و اجتماعی منطقه مورد مطالعه

عامل	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری
ساختار فرهنگی و اجتماعی	28.04	6.64	54.7	0.000

برای بررسی اولین فرضیه تحقیق از آزمون تی نمونه ای استفاده شده است. همانگونه که جدول شماره (۴) نشان می دهد براساس یافته های آزمون، ساختار فرهنگی جامعه سیستان و بلوچستان تاکنون نتوانسته است سهم زنان را در مشارکت های اجتماعی و سیاسی افزایش دهد پس مشخص می شود که ساختار فرهنگی منطقه عامل بازدارنده در زمینه مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان تاکنون بوده است.

جدول شماره (۵): توزیع نظرات پاسخگویان نسبت به ساختار فرهنگی منطقه مورد مطالعه

در جدول شماره (۵) عوامل فرهنگی تاثیر گذار بر مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی

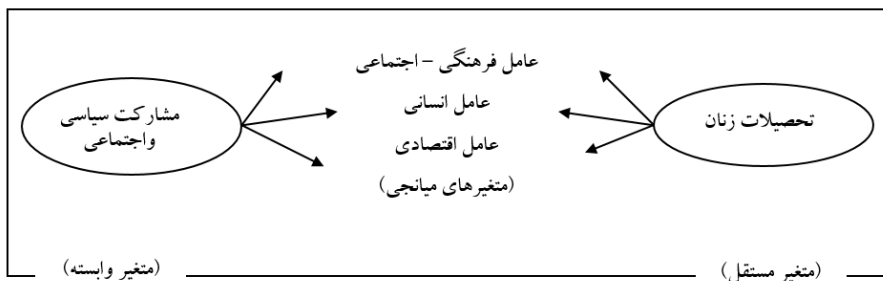
متغیرها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	انحراف معیار
باورهای سنتی و باقیمانده از گذشته مبنی بر بی ارزش بودن کار زنان	6.2	21.9	21.9	18.1	31.2	3.48	1.30
وجود فرهنگ مرد سالاری	5.2	14.8	18.1	35.7	26.2	3.62	1.17
تعصبات خانوادگی	4.8	17.6	17.1	26.7	33.8	3.67	1.24
وجود تبعیضات فرهنگی	8.6	18.1	19.0	26.2	28.1	3.47	1.30
آداب و سنن غلط نظیر خرافات و تقدیرگرایی	11.9	19.0	17.6	26.2	25.2	3.38	1.35
نابرابری طبقاتی بین زن و مرد	6.2	18.1	20.0	28.1	27.1	3.53	1.24
ارزش قابل نشدن به تجربه و دانش زنان	8.1	21.9	11.9	28.6	29.5	3.49	1.33
باور و نگرش منفی نسبت به توانایی زنان	8.1	19.0	20.5	27.1	25.0	3.42	1.28

واجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که در جدول مشاهده می شود زنان بلوچ استان

سیستان و بلوچستان معتقد هستند که وجود فرهنگ مردسالار و تعصبات خانوادگی در کنار سایر شاخصه های فرهنگی منطقه باعث کاهش نقش آفرینی زنان بلوچ در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است.

فرضیه شماره (۲): سطح تحصیلات زنان بلوچ بر میزان مشارکت فعال و توانمندی سیاسی و اجتماعی آنان تاثیر گذار است.

در این فرضیه عامل تحصیلات زنان به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می شود تا تاثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی به عنوان متغیر وابسته بررسی شود. یافته های تحقیق نشان داد که رابطه «مستقیمی» بین دو متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد و این رابطه در خلال سه متغیر میانجی ظاهر می شود. متغیرهای میانجی بین تحصیلات زنان و مشارکت سیاسی و اجتماعی به عنوان عوامل متأثر از تحصیلات زنان و موثر بر مشارکت سیاسی، اجتماعی تعریف شوند که عبارتند از: (۱) عامل فرهنگی - اجتماعی، (۲) عامل انسانی و (۳) عامل اقتصادی. بنابراین الگوی نظری تحقیق به صورت شماتیک به شرح زیر به دست آمد:



در بررسی متغیرهای میانجی جهت تسهیل درک ارتباطات، رویکردهای مختلفی به شرح زیر اتخاذ گردید:

عامل اقتصادی با رویکرد بررسی سهم زنان از بازارهای اشتغال مطالعه گردید. عامل فرهنگی اجتماعی از زاویه مقاومت زنان در برابر کلیشه های جنسیتی و تبعیضات اجتماعی بررسی شد. عامل انسانی با دو دیدگاه سطح سلامت فرزندان و سطح تحصیلات فرزندان بررسی شد. در عرصه مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی زنان بلوچ، دگرگونی های عرصه اجتماعی و مشارکت زنان در سطوح درآمد زایی و آموزشی سبب تعدد گروه ها و گسترش روابط اجتماعی زنان می شود. تحصیلات زنان موجب کسب ارزش ها، نگرش ها و برداشتهای جدید می شود. و ساختارهای سنتی خانواده که وجه مشخصه آن اقتدار نهادی شده مردان در واحد

خانواده است، در دهه‌های اخیر با افزایش تحصیلات، آموزش، آگاهی و سهم اشتغال زنان با دگرگونی‌های اساسی مواجه شده است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۹۱-۷۱).

همچنین زنان تحصیل کرده بلوچ استان با شناخت توانائی‌ها، دانش و مهارت‌هایشان پی برده‌اند که اساس و پایه این نقش‌های کلیشه‌ای نه ویژگی‌های اکتسابی و مهارتی، بلکه ویژگی‌های ذاتی و مادرزادی افراد است، در صدد کنار زدن کلیشه‌های جنسیتی شده‌اند. بستر قانونی و سیاسی ایران بعد انقلاب اسلامی در این زمینه موجب تعمیق تفکر زنان و تشدید اراده و جزمیت آنان در اثبات «خود» گردیده است، عرف و سنت در استان سیستان و بلوچستان بر اقتدار شوهر و پدر استوار است. این امر نقش‌های «زنانه» و «مردانه» را در خانواده و اجتماع تشدید می‌کند. کار خارج از خانه بر عهده مرد است و مرد نان‌آور خانواده محسوب می‌شود. به رسمیت شناختن اقتدار مرد در خانواده در حیطه اشتغال نیز موقعیت برتری برای مرد فراهم می‌کند. مجموعه این سیاستگذاری‌ها، از طرفی روابط سنتی و مردسالارانه را در خانواده تحکیم می‌کند و از طرف دیگر موقعیت زن را هم در بعد مادی و هم در بعد فعالیت اجتماعی تضعیف می‌کند. مسلماً زنی که بیش صحیح اجتماعی نداشته باشد در نقش مادر هم ضعیف و بی‌تاثیر ظاهر می‌شود.

در دهه‌های اخیر، بهره‌مند شدن بیشتر زنان بلوچ از تحصیلات دانشگاهی که منجر به اشتغال سهم بیشتری از بازار کار می‌شود، ارزش‌های جدیدی را در حوزه خانواده ایجاد کرده و باعث دگرگونی مناسبات خانوادگی و ارتقای جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و ایجاد هویت‌های جدید برای آنها شده است. هر چند که زنان تحصیل‌کرده دارای اهمیت ویژه در جامعه هستند اما این زنان تحصیل کرده غالباً به سمت شغل‌های مهم راه نمی‌یابند. از سوی دیگر، ارزش مهمی که برای زنان برجسته می‌شود همان ارزش مادری و همسری است. این مسئله باعث می‌شود که فعالیت اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و سیاسی زنان در خارج از خانه مهم محسوب نشود با این حال مادران و زنان تحصیل کرده خواهان ارزش نهادن دولت، جامعه و خانواده به فعالیت اجتماعی و اقتصادی شان و تعاریف جدیدی از کلیشه‌های سنتی و تبعیض آمیز هستند که مبتنی بر همکاری زن و شوهر در انجام امور خانه و تربیت زنان با کمک همدیگر است. نباید نابرابری‌های قانون و عرفی میان زن و مرد طبیعی و همیشگی انگاشته شود. زنان بلوچ با گذشت زمان در سطوح وسیع به تأمل و بازاندیشی در موقعیت‌ها و هویت‌های اجتماعی سنتی خود پرداخته‌اند و قدم به مرحله بلوغ اجتماعی می‌گذارند.

نتیجه‌گیری:

این تحقیق نشان داد که رهبر کبیر انقلاب اسلامی با نگاهی ممتاز به جامعه زنان، آنان را سهام دار مشارکت فعال اجتماعی و سیاسی در جامعه می‌دانست و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این

نگاه شکل واقعی به خود گرفت. امام به عنوان یکی از متفکران بزرگ معاصر اسلامی، با تشریح جایگاه زن در اسلام و شأن انسانی او و ارائه الگوی اسلامی تلاش کردند تا زنان مسلمان ایرانی را با جایگاه واقعی خود آشنا نمایند. با پیروزی انقلاب اسلامی، مردم به لحاظ روحی و روانی به این باور رسیدند که می توانند در امر سیاست بطور فعال مؤثر باشند، بنابراین فرآیند مشارکت در ایران در یک دوره گذار از مشارکت منفعل به مشارکت فعال منتقل گردید. به نظر امام خمینی (ره) زن و مرد از لحاظ حقوق انسانی و اجتماعی مساوی هستند و در صورت رعایت موازین اسلامی از جانب همه هیچ مانعی برای مشارکت سیاسی زنان وجود ندارد، بلکه دخالت در سرنوشت خود حق زنان است و در شرایط فعلی حضور آنان در صحنه های فعال سیاسی تکلیف زنان می باشد. در این میان، سهم زنان بلوچ در سال های قبل از انقلاب اسلامی به دلیل فراهم نبودن زمینه آموزش و تحصیلات برای آنان و نیز موانع فرهنگی و اقتصادی در راه تحقق این موارد، از عمده ترین موانع عدم تحقق مشارکت زنان در توسعه پایدار سیستان و بلوچستان بود. اما با به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی و توجه دولتمردان و برنامه ریزان به سهم مساوی مشارکت زنان در برنامه های انقلاب این روند به کلی دگرگون شد و امروزه این موضوع در فرایند توسعه پایدار سیستان و بلوچستان به تبع توسعه پایدار ملی، استفاده از ظرفیت ها و توانمندی های موجود در زمینه نیروی انسانی امری اجتناب ناپذیر و الزامی است. بدین لحاظ، با دریافتن تهدیدها و فرصت ها می توان زمینه مشارکت زنان را در توسعه استان سیستان و بلوچستان، تسهیل کرد و به توانمندسازی بیشتر زنان بلوچ در حیطه های مشارکتی فعال سیاسی و اجتماعی در این استان و برای زنان بلوچ کمک کرد. هرچند که استان سیستان و بلوچستان امروزه در بخش زنان بیشترین سطح مشارکت سیاسی و فعال در زمینه های اجتماعی و سیاسی را بعد از انقلاب به خود اختصاص داده و تعداد زیادی از زنان توانمند این استان در مناصب سیاسی همچون فرماندار، مدیران کل، معاون فرماندار، بخشدار و سایر مناصب سیاسی فعالیت می کنند این استان توانسته میزان مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد و تقریباً و رفته رفته در همه مشاغل زنان، هم پای مردان در فعالیت های سیاسی مشارکت فعال و تاثیرگذار دارند.

بی شک چنین حضوری نه فقط افزایش مشارکت فعالانه و توانمندسازی زنان استان سیستان و بلوچستان و بهبود شرایط زندگی و توسعه این منطقه را به همراه دارد، بلکه به مرور زمان و در آینده نزدیک به عنوان نیروی فعال توسعه پایدار منطقه سیستان و بلوچستان تبدیل شوند.

منابع و مآخذ:

- امام خمینی (ره) (۱۳۷۸)، **صحیفه امام** (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۲)، **کلمات قصار**، پندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- ازکیا، مصطفی، صفری شمالی، رضا، و رحمانپور، اسماعیل (۱۳۸۴) **نظریه های توسعه**. تهران: انتشارات لویه.
- اسفندیانی، محمدرحیم (۱۳۸۱) موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریت. زن در توسعه و سیاست (**پژوهش زنان**)، ۱، ۸۷-۸۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، **جامعه شناسی سیاسی**، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۲۸۹
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۲) **تاریخ بیهقی**، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۷۲، ۷۰
- پاسبان، فاطمه (۱۳۸۵) عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، ۱۴، ۵۳.
- دبوسالار، اسداله، نقوی، محمدرضا، و پایدار، ابودر (۱۳۹۱) بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان روستایی با استفاده از روش میزان انحراف از ایتیم نمونه موردی: روستاهای چهارقلعه شهرستان بهشهر. **مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان ۳۱۰)**، پیاپی ۳۲، ۱۰۹-۸۷.
- زال، نیره (۱۳۹۷)، "سیاست دولت و مناسبت های قومی (مورد: قوم بلوچ و سیستانی)"، **برنامه ریزی و آمایش فضا**، دوره ۱۷، شماره ۲، صفحات ۱-۲۱.
- زنجانی، حبیب اله، آبرون، فاطمه (۱۳۹۳) بررسی موانع ارتقای شغلی زنان و اثر آن بر بهره وری (بررسی موردی: زنان شاغل در دانشگاه صنعتی شریف). **مطالعات علوم اجتماعی ایران**، ۶۰-۵۰.
- زندى، فاطمه، دامن کشیده، مرجان، مراد حاصل، نیلوفر. (۱۳۹۱) نقش رشد اقتصادی بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب آسیا. **فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ**، ۳، ۱۱-۱۲۵
- ساروخانی باقر و مریم رفعت جاه، «عوامل جامعه شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان»، **پژوهش زنان**، دوره ۲، شماره ۱، (بهار ۱۳۸۳)، ص ص. ۹۱-۷۱.
- سنتوان، صادق و بلوچی، رضا و دهدار، مجتبی (۱۳۹۴) بررسی جامعه شناختی تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ (مطالعه موردی: زنان بلوچ بالای ۱۸ سال)، **همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب های اجتماعی**، چابهار.
- شادی طلب، پروانه (۱۳۹۴)، "بررسی تاثیر احساس امنیت اجتماعی بر توانمندسازی زنان (مورد مطالعه: شهر تهران)"، **فصلنامه توسعه اجتماعی**، دوره ۷، شماره ۳، صفحات ۷۹-۱۰۴.
- عامری، محسن، سهرابی زبانی، مریم، حسینی راد، مهدی، و دانی، فاطمه. (۱۳۹۳) موانع مشارکت زنان در فعالیت های فرهنگی. **مطالعات فرهنگی**، ۲۸، پیاپی ۲۴-۳۴.
- علی حسینی، علی، نظری، مینا (۱۳۹۵) بررسی مشارکت سیاسی زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ**، ۲۱، ۲۷-۷.
- علیدوست، سمیه، لشگر آرا، فرهاد (۱۳۹۲) موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمسار) **پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی**، ۶، پیاپی ۱۶، ۲۱-۷.
- فرخی، طاهره (۱۳۹۶)، "تواناسازی زنان"، **مجله تاوان**، شماره ۱۹.
- فلاحی، لیل، (۱۳۹۸)، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، خبرگزاری ایسنا، آذرماه ۱۳۹۸
- کار، مهرانگیر (۱۳۸۰)، مشارکت سیاسی زنان، موانع-امکانات، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- کجباف، محمداقبر، کاظمی، ملیحه سادات. (۱۳۸۷) بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی. **مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)**، ۳، ۶، پیاپی ۱۴۷-۱۴۳.
- کریم زاده، مجید؛ فیاضی مهرناز، کریمی، فائزه (۱۳۹۵) موانع مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی. **مجله زنان و توسعه**، ۳۰، ۷۳-۵۹.
- گراوند، مرصیه، ولی زاده، نجمه سادات (۱۳۹۸) مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)، مجموعه مقالات همایش **بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی**، ص ۴۷۱.
- موزر، کارولین (۱۳۹۶)، برنامه ریزی بر حسب جنسیت در جهان سوم، **نقش زنان در توسعه**، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول.
- مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، **مشارکت سیاسی زنان در ایران**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۰۱، ۱۰۴
- موسوی، سیده سمیه، احمدرضا، عمانی، الهیاری، محمد صادق (۱۳۸۹) بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت های تولیدی زراعی. **فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ**، ۲، ۶۹-۶۱.
- نوری نشاط، سعید، (۱۳۸۸) **مقدمه ای بر اصول و روش های توانمندسازی محلی**، تهران، برگ زیتون
- نهادندی، چالشها و سیاست های توسعه انسانی زنان در ایران، **فصلنامه سیاست داخلی** ف سال اول، شماره سوم، ۲۰۲